

## آغاز کلام:

بسم رب الحسین؛ بسم ا...  
پایمان محکم است در این راه

گرچه امروز خون جگر هستیم  
ما پسرهای آن پدر هستیم  
ارث ما از پدر، شجاعت ماست  
کوه، حیران استقامت ماست<sup>۱</sup>

اماما! رهبر!

تو رفتی و با رفتنت، قلبهای ما را به سوگ و  
چشم‌هایمان را به گریه نشاندی. و به برکت همین  
سوگ مقدس تو، آتش خشممان زبانه کشید و  
دشمن غدار به خاک ذلت افتاد.

شهید!

تو آن پرچم ایستاده عاشورا بودی و تفسیر زنده  
«هیئات من الذله» بودی که تا آخرین لحظه عمر

با برکت هم، با مشتی گره کرده در خط مقدم  
جبهه مبارزه با استکبار ایستادی و به ما آموختی  
که عزت، همان طریق حسین (ع) است که گفت:  
«مثلی لا یبایع مثل یزید».

بنگر به قیام سرخ آن سرو رشید  
با ظلم نکرد بیعت و گشت شهید  
از مشتی گره کرده او روشن شد  
سر داد و نداد دست در دست یزید<sup>۲</sup>

روزهایی سخت و پرانده از شهادت آن استوه نسته  
استقامت و درایت گذشت، و ما در تمام این روزها  
غم نبود او را حماسه کردیم و در برابر دشمن  
ایستادیم؛ چراکه باور داریم:  
«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا؛ بَلْ  
أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»<sup>۳</sup>

سلام بر امام غایب امت، حضرت صاحب‌العصر و  
الزمان (عج) و درود و سلام بر روح بلند شهید عزت

و استقامت، سیدالشهدای جبهه مقاومت، پدر و  
رهبر امت، شهید سید علی حسینی خامنه‌ای  
(قدس ا... نفسه الزکیه) و سلام بر مرشد و مراد او،  
خمینی کبیر (ره).

سلام بر شهیدان راه حق و مجاهدان طریق حقیقت  
که با بذل خون و جان، پرچم سهرنگ و پرافتخار  
ایران را بر فراز قله عزت و استقلال در اهتزار نگه  
داشتند.

و درود و ثنا و آفرین بر شما که شیفتگان و  
سوختگان راه حسین‌اید و با قلب‌های بی‌قرار و  
گام‌های استوارتان، راه امام شهیدتان را ادامه  
می‌دهید. اینجانب ..... دست ادب و ارادت بر سینه  
می‌گذارم و با تقدیم سلام و رحمت، قدوم پرمهرتان  
را گرامی می‌دارم.

<sup>۱</sup> شاعر: محسن ناصحی

<sup>۲</sup> شاعر: محمود حبیبی کسبی

<sup>۳</sup> سورة آل عمران؛ آیه ۱۶۹

### میان برنامه (شعر):

ما قائل به رجعت شهداییم و باور داریم آن هنگام  
که امام غایب مان ظهور کند، شهدای مظلوممان نیز  
در رکابش خواهند بود. و چه زیبا خواهد بود آن  
روز که بار دیگر جمال رهبر شهیدمان را در رکاب  
امام عزیزمان ببینیم و با دلی پر امید، در راه نبرد  
آخر گام برداریم.

لبریز شده جان و جهانم از درد  
هرگز نشود داغ تو در دل ها سرد

تا صبح ظهور، منتظر می مانیم  
با لشکر یاران شهیدت برگرد

«شاعر: فاطمه نانی زاد»

### میان برنامه (شعر):

نامش بلند باد که مانند دلبرش  
لب تشنه بود و غرقه به خون گشت پیکرش  
یادآور دمی ست که فرق علی شکافت  
گویا حسین بر سر نی می رود سرش

فرعونیان ز مشّت گره کرده اش ملول

لرزید کاخ ظلم ز الله اکبرش

نیکان روزگار و دلیران کارزار  
پیوسته اند از همه دنیا به لشکرش

سروی که سروها همه تعظیم می کنند  
چون چشم می برند به قد صنوبرش

آن پیر می فروش که مست حسین بود  
ای کاش ساغری زده بودم به ساغرش

ما وارثان خون گلویی بریده ایم  
جان ها فدای عطر ضریح معطرش

وین ملتی که خامنه ای بود امید او  
اینک دوباره خامنه ای باد رهبرش

«شاعر: سجاد سامانی»

سلامتی خلف صالح شهید خامنه ای و سومین رهبر  
انقلاب اسلامی، حضرت آیت ا... سید مجتبی  
حسینی خامنه ای صلواتی بر محمد و آل محمد  
عنایت بفرمایید.

### میان برنامه (شعر و متن):

ما فرزندان آرش، آریو برزن و رستم دستانیم. ما  
پیروان آخرین رسول و حیدر کراریم. ما، جان فدای  
ایرانیم. خون می دهیم تا پرچم میهن مان در اهتزار  
بماند و یک وجب از خاک وطن، به دست دشمن  
نیفتد و برای افتخار به این غیرت و شهامت، همین  
بس که بدانیم در میان حاکمان ایران زمین،  
انگشت شمارند آنان که در میانه نبرد با دشمن  
کشته شده باشند. حاکمانی که نخستین آن ها  
کوروش کبیر و آخرین شان شهید سید علی  
خامنه ای (ره) است.

از خویش رها باش، رها، باز برق  
با بال و پری بلند پرواز برق

بشکوه تر از همیشه در طوفان ها  
ای پرچم تا ابد سرافراز برق

«شاعر: حامد طونی»

### میان برنامه (شعر):

ای رهبر ما! امت تو بیدار است

عمار میان لشکرت بسیار است

یادآور آن مشت گره کرده توست

هر مشت که بر دهان استکبار است

«شاعر: سید یعقوب کریمی»

### میان برنامه (شعر):

بلند شو نفسی تازه کن امام شهیدم

امام تازه شهید؛ ای بلند قد رشیدم

بلند شو که زمین زیر پات باز بلرزد

دل به چشم تو قرص است، ای تمام امیدم

برای درک حضورت چقدر چله نشستم

چقدر تا برسم زیر سایه تو دویدم

زبان روزه نشستم دو بیت شعر بگویم

که بیت بیت برای غم تو جامه دیدم

نشسته‌ای به حنا بستن محاسن امشب

امام ریش سفید و عزیز روی سپیدم

رسیده بود به گودال قتلگاه تو خولی

بخشش دور نشستم بخشش دیر رسیدم

«شاعر: سیدعلی شکراللهی»

### میان برنامه (متن و شعر):

مادران این دیار، سال‌هاست فرزندان‌شان را با قصه

مردان نامدار، خواب می‌کنند. با حماسه رستم

دستان، با قصه رئیسعلی و یاران، با داستان میرزا

کوچک خان. و حالا قصه تازه‌ای در میان لالایی‌ها

جان می‌گیرد و قهرمان جدیدی جای خود را در

میان روایت‌ها باز می‌کند: سیدعلی آقا. همان

سیدعلی آقایی که عمرش را در راه مبارزه با

استبداد و استکبار صرف کرد. همانی که در

سال‌های دفاع مقدس هشت‌ساله، شخصاً به میدان

نبرد رفت. او که هنگام زلزله بم ناشناس به میان

مردم آمد تا بی‌واسطه دردهایشان را بشنود. او که

سخن گفتنش سراسر عزت و سکوتش یک‌سر

مصلحت بود. او که جان‌فدای ایران شد تا مام وطن

سرفراز بماند. او که شهید شد تا نام ایران،

پرافتخارتر از پیش شود.

از برکت خون اوست رؤیای وطن

آرامش مرزهای زیبای وطن

سیدعلی خامنه‌ای خواهد ماند

در قصه مادران فردای وطن

«شاعر: محمدرضا شفیعی»

### حسن ختام:

به مصداق آیه شریفه «وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ

لِنَفْسِهِ» از حضور پرشور و شعور شما، مردان و زنان

حاضر در میدان و از تمامی عوامل و دست‌اندرکاران

اجرای این برنامه، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنم.

شب و روز بر شما که با دست‌ها پویا و گام‌های

مانای خود، روزگار تازه‌ای را خلق کرده‌اید، خوش

و نام‌تان بر صفحه درخشان حماسه‌سازان این دیار،

ماندگار.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

یا علی؛ خداوند یار و نگهدار شما.